

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله: اتحادیه اروپا و ترکیه: ترکیه خطری برای امنیت اروپا

چکیده

کشور ترکیه یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین کشورهای منطقه خاورمیانه بوده است که با تجزیه امپراتوری عثمانی در دهه ی دوم قرن بیستم پدیدار شد. در دوران آتاتورک توجه به جامعه غربی و مدرن شدن به شیوه غربی مورد توجه دولتمردان ترکیه قرار گرفت. در دهه ی ۱۹۹۰، در دوران تورگوت اوزال، اتحادیه اروپا به عنوان بازیگر جدید وارد سیاست خارجی ترکیه می شود. ترکیه در راه پیوستن به اتحادیه اروپا به تغییراتی در قانون اساسی خود دست زده است ولی تاکنون موفق به پذیرش از سوی این اتحادیه نشده است. چرا که این قوانین جدید فقط در حد نوشته شده بوده و تا عملی شدن کامل و واقعی در جامعه ترکیه راه دور و درازی دارد. توجه نکردن به حقوق بشر، دموکراسی، کم توجهی به اقلیت ها و عوامل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دیگری موانع پیوستن ترکیه به این اتحادیه است. با توجه به اتفاقات اخیر در منطقه خاورمیانه و ناامنی مضاعف این منطقه و حمایت ترکیه از گروهک تروریستی داعش اتحادیه اروپا با پیوستن ترکیه به دلیل امنیت و بقای خود مخالفت می کند.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا - ترکیه - واقعگرایی ساختاری - امنیت - حقوق بشر - کردها - مسلمانان

مقدمه

اتحادیه اروپا در میان خیل نهادها و سازمان های منطقه ای و جهانی، موقعیت ممتاز و یگانه ای دارد. نه به سادگی می توان هویت آن را در چارچوب یک سازمان بین الدولی تقلیل داد و نه می توان در روایتی اغراق گونه آن را یک نهاد فدرال ارزیابی نمود. بدون شک، اتحادیه اروپا توانسته است تا عناصری از هر دو دسته نهادهای بین الدولی و فراملی را در خود با هدف ایجاد وحدت در اروپا، ماندگار سازی صلح حاصل پس از جنگ جهانی دوم در این قاره و تولید رفاه برای شهروندان اروپایی جای دهد. چنانچه اتحادیه اروپا

را نهادی در حال گذار به سمت فدرالی شدن تعبیر نماییم، در آن صورت نیز این اتحادیه را باید بهترین تجربه موجود "همگرایی" در نظر گرفت. زیرا به رغم فاصله این اتحادیه از یک ساختار فدرال، هنوز هیچ نهاد یا سازمان منطقه ای دیگری نتوانسته است تا مسیر پیموده شده از سوی اتحادیه اروپا را طی کند. (قوام، کیانی و همکاران، ۱۷، ۱۳۹۰).

در اتحادیه اروپا براساس همین همگرایی کشورهای عضو اکثرا از نظر نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به هم شباهت دارند. اکثر کشورها یا به صورت سلطنت مشروطه یا دموکراسی لیبرال اداره می شوند. اقتصاد آن ها اقتصاد بازار آزاد است و دموکراسی در این کشورها حکومت می کند. این اتحادیه برای پذیرش کشورهای جدید در خود شرایطی را در نشست کپنهاگ ۱۹۹۳ مطرح کرده که با انجام این معیارها اعضای جدید پذیرفته می شوند.

در میان کشورهای متقاضی پیوستن به اتحادیه اروپا، موضوع عضویت ترکیه از دیگر کشورها مهمتر است. ترکیه از سال ۱۹۸۷ تقاضای عضویت خود را در جامعه اقتصادی اروپا مطرح کرد و از سال ۱۹۹۶ وارد اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا شد. اتحادیه اروپا تنها در اجلاس سران خود در هلسنکی در سال ۱۹۹۹ بود که رسماً ترکیه را به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا به رسمیت شناخت، اما اعلام کرد که ترکیه هنوز نیازمند آن است که بطور کامل معیارهای سیاسی و اقتصادی اتحادیه را برآورده سازد. تصمیم اتحادیه اروپا عمدتاً ناشی از بهبود روابط بین یونان و ترکیه و نگرش مثبت برلین نسبت به آنکارا بود. در دسامبر ۲۰۰۴، اتحادیه اروپا اعلام کرد که گفتگوهای الحاقی با ترکیه در اکتبر ۲۰۰۵ آغاز خواهد شد به شرطی که ترکیه برخی اصلاحات را انجام دهد و به تعهد خود مبنی بر گسترش اتحادیه گمرکی خود با اتحادیه با ۱۰ عضو جدید از جمله قبرس جامه عمل بپوشاند. در جریان مذاکرات الحاقی از ترکیه خواسته شد تا به فرایند عادی سازی روابط خود ادامه دهد. این مذاکرات همچنان ادامه دارد. در ابتدا اتریش با آغاز مذاکرات مخالف بود اما با موافقت اتحادیه با شروع مذاکرات الحاقی با کرواسی که روابط گرمی با اتریش دارد، اتریش حاضر شد تا با شروع مذاکرات با ترکیه موافقت کند. برخی اعضای اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده بودند که ترکیه به جای عضویت کامل در اتحادیه به صورت شریک ممتاز آن درآمده و از کلیه مزایای کشورهای عضو بهره مند شود که این امر با مخالفت شدید دولت ترکیه رو به رو شده است. (قوام، کیانی و همکاران، ص ۲۲۱، ۱۳۹۰).

موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی یکی از غامض ترین موارد در روند عضویت یک کشور در این اتحادیه است. ترکیه از سال ها قبل درخواست عضویت خود را اعلام کرده و اصلاحات زیادی را در چارچوب سیاست های کشور بر اساس معیارهای اروپایی انجام داده است. این کشور از اولین کشورهای اروپایی است که درخواست عضویت در اتحادیه اروپایی را داشته لکن هنوز نه تنها به این هدف نائل نشده بلکه امروزه چشم انداز عضویتش مبهم تر از همیشه است. با توجه به تحولات داخلی ترکیه و نقض های حقوق بشری در این کشور پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا را در حاله ای از ابهام فرو برده است.

در این نوشتار به دنبال پاسخگویی به این مسئله هستیم که دلیل یا دلایلی که اتحادیه اروپا از عضویت ترکیه در این اتحادیه خودداری می کند کدام اند؟ فرضیه که در پاسخ به این سوال به دنبال اثبات آن هستیم این است که اتحادیه اروپا برای ترس از بین رفتن امنیت و بقای خود از پذیرش ترکیه در این اتحادیه ممانعت می کند.

چارچوب نظری: واقع گرایی ساختاری (والتر)

نواقع گرای را که در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت، می توان بیش از هر چیز تلاشی برای علمی کردن واقع گرایی دانست. در شرایطی که واقع گرایی کلاسیک متهم به آن بود که سنت گرا و غیرعلمی است، برخی از واقع گرایان تلاش کردند روایتی علمی از واقع گرایی عرضه کنند که با معیارهای علمی مرسوم انطباق داشته باشد. به علاوه، واقع گرایی از نظر عدم توجه به مسائل اقتصادی نیز مورد انتقاد قرار داشت. در نتیجه یکی دیگر از حوزه های مورد توجه واقع گرایی جدید مسائل اقتصادی بین المللی بود. در دهه ۱۹۷۰ کنت والتز مهم ترین نماینده تلاش برای علمی کردن واقع گرایی در قالب نواقعگرایی یا واقع گرایی ساختاری محسوب می شود. کتاب نظریه سیاست بین الملل کنت والتز از مهمترین متون نظری روابط بین الملل محسوب می شود و این برداشت وجود دارد که از همه آثار دیگر در حوزه روابط بین الملل بیشتر به آن استناد و از آن نقل قول شده است. والتز در این کتاب نظریه واقعگرایی ساختاری خود را ارائه می کند که به واقع توضیحی ساختاری یا سیستمیک از سیاست بین الملل است. او سیاست بین الملل را قلمرو ضرورت و سیاست قدرت معرفی می کند. (مشیرزاده، ۱۰۷ و ۱۰۸، ۱۳۹۲).

نواقع گرایی با ترسیم تصویری کل نگر از نظام سیاسی بین المللی که بر اساس آن سطح ساختاری و سطح واحدهای آن همزمان مجزا از هم و مرتبط باهم هستند استقلال سیاست بین الملل را محرز و بدین ترتیب نظریه پردازی درباره آن را امکان پذیر می سازد. نواقعگرایی مفهوم ساختار نظام را بسط می دهد که در آن واحد هم حوزه موضوع مطالعه ی محققان سیاست بین الملل را مرزبندی می کند و هم آنان را قادر به درک چگونگی تاثیرگذاری ساختار نظام و انواع آن بر واحدهای متعامل و نتایج حاصل از تعامل آنها می سازد. ساختار نظام، برخاسته از تعامل دولت هاست و در گام بعد آنها را از اتخاذ برخی اقدامات باز می دارد و به سوی برخی دیگر سوق می دهد. (لینکلیر اندرو، ۱۷، ۱۳۹۳).

اصول شش گانه والتز در پارادایم نواقع گرایی / ساختارگرا

سیستم به عنوان واحد و سطح تحلیل

رابطه تعیین کنندگی میان سیستم و ساختار با الگوهای رفتاری واحدها

آناارشی بین المللی و عدم وجود سلسله مراتب در سیستم

توازن قوا عامل ثبات بخش سیستم بین المللی

دولتها و قدرتهای بزرگ به عنوان بازیگران اصلی در حوزه نظم و امنیت بین المللی

دشواری بودن تحولات سیستمی. (قاسمی، ۹، ۱۳۹۱)

اصول زیربنای نظم بین الملل

اصول نظم بخش

آناارشی و اصل خودیاری در سیستم بین الملل

ویژگی واحدها

کشورها به عنوان واحد اصلی

تشابه کارکردی

امنیت به عنوان هدف اصلی

توزیع تواناییها و مهم بودن آن

سیستم بین الملل به عنوان واحد اصلی تحلیل . (همان ، ۹۶ ، ۱۳۹۱) .

برای نواقح گرایان امنیت بسیار مهم است . کنت والتز امنیت را به عنوان منافع ملی کشورها در نظر گرفته است . والتز معتقد است در شرایط فقدان دولت جهانی ، برای اجرای مقررات و در فضای ناامنی حاکم ، هر واحد ناچار است برای امنیت خود تلاش کند . معمای امنیت تمامی دولت ها ، بدون توجه به ویژگی های متفاوت در ساختار داخلی آنها بسیار جدی است . بهترین راه حل معمای امنیت نیز تلاش برای افزایش قدرت است . به علت وجود معمای امنیت برای تمامی دولت ها رفتار آنها نیز با یکدیگر یکسان می باشد و اصل نظم دهنده یعنی آنارشی ، پدید آورنده این رفتار مشترک است . (همان ، ۹۱ ، ۱۳۹۱) .

ترکیه و اتحادیه اروپا

ترکیه ، همسایه ی غربی ایران ، کشوری است که چندین سال برای پیوستن به اتحادیه اروپا و اروپایی شدن تلاش می کند . برخی آغاز پیوند ترکیه با اروپا را از زمان حکومت پیشین آن یعنی امپراطوری عثمانی و جنگ کریمه می دانند ، زمانی که در کنار انگلستان و فرانسه با روسیه جنگید و با عضویت در " کنسرت اروپایی " سیاست نگرش به غرب و تمایل به اروپایی بودن را به نمایش در آورد . " اروپایی شدن " ترکیه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی و شکل گیری ترکیه امروزی بصورت جدی آغاز شد . از آن زمان بیش از هر هدف دیگری " اروپایی بودن " هدف اصلی ترکیه شد . کمال آتاتورک با پیروی از اندیشه ی جدایی دین از سیاست ، بسیاری از مظاهر زندگی در جامعه ترکیه با اکثریت مسلمان وارد کرد . پیوند اصلی ترکیه با غرب و با اروپا با پایان جنگ جهانی دوم ، بیشتر در سطح سیاسی ، نظامی و اجتماعی گره خورد . (نوع پرست ، زهرا : ۷۸ ، ۱۳۸۳) .

روابط ترکیه و اروپا در دوران معاصر عمدتاً به سالهای جنگ سرد برمی گردد که بازسازی اروپای ویران و تهدید کمونیسم دو طرف را به هم نزدیک کرد ، نیاز به کارگران ترک تبار برای کمک به بازسازی اروپا و خطر شوروی شرایط را به سمت همگرایی بین ترکیه و غرب پیش بردند ، همکاری که در عرصه نظامی و سیاسی آغاز شد . ورود ترکیه به ناتو در سال ۱۹۵۲ و سپس ورود به نهادهای اروپایی همچون شورای اروپا و سازمان همکاریهای اقتصادی برای توسعه عمده ترین نمادهای این همکاری هستند . (پارسایی ، ۱۳۹۲) . ارتباط ترکیه با اتحادیه اروپا و پیش از آن جامعه اقتصادی اروپا به تاریخ تشکیل آن جامعه برمی گردد که به عنوان عضو وابسته جامعه اقتصادی اروپا در آمده بود . (جمالی و خانی ، ۱۰ ، ۱۳۸۸) .

بعد از فروپاشی شوروی و از بین رفتن وحشت کمونیسم کشورهای اروپای شرقی چون کروواسی، لهستان خواستار عضویت در این اتحادیه شدند. کشورهایی که خیلی دیرتر از ترکیه متقاضی شدند ولی به این اتحادیه پیوستند. در این هنگام اتحادیه اروپا، این سازمان همگرا، که با تعداد زیادی کشور متقاضی عضویت روبرو شده، برای پذیرش اعضای جدید معیارها و ضوابطی در نظر گرفته است. کشورهای علاقمند باید این معیارها و ضوابط را پذیرفته و به آن عمل کنند. از جمله معیارهای سیاسی این موازن، ایجاد نهادهای باثبات توسط کشورهای متقاضی است که تضمین کننده دموکراسی، حکومت قانون و رعایت حقوق بشر باشند و به حقوق اقلیت ها احترام بگذارند.

مطابق معیارهای کپنهاگ (۱۹۹۳) اعضای اتحادیه اروپا کشورهایی را متقاضی عضویت می دانند که به موارد ذیل نائل شده باشند:

الف: شرایط سیاسی: کشورهای متقاضی باید نهادهای باثباتی ایجاد کنند که تضمین کننده دموکراسی، حکومت قانون و رعایت حقوق بشر باشد و به حقوق اقلیت ها احترام بگذارند.

ب: شرایط اقتصادی: وجود اقتصاد بازار پویا و کارآمد و هماهنگ با اتحادیه اروپا و داشتن توانایی لازم برای رقابت با نیروهای بازار در اتحادیه ی اروپایی.

ج: کشورهای متقاضی توانایی لازم برای برآورد تعهدات ناشی از عضویت و تبعیت اهداف سیاسی، اقتصادی، مالی و پولی را داشته باشند.

د: وجود شرایط ادغام در اتحادیه از طریق تنظیم ساختارهای اداری به نحوی که قوانین اتحادیه مقدم بر قوانین ملی آن کشور باشد و این رویه به شکل موثری از طریق ساختارهای مناسب اداری و قضایی صورت گیرد. (جمالی و خانی، ۲۶، ۱۳۸۸)

ترکیه از آن زمان ملزم شد معیارهای همگرایی کپنهاگ را جهت واجد شرایط شدن عضویت در اتحادیه اروپا در پیش گیرد و رویکردهای خود را با استانداردهای این سازمان هماهنگ کند. ترکیه امیدوار است در یکصدمین سالگرد استقلال این کشور در سال ۲۰۲۳ به اتحادیه اروپایی پیوندد و استراتژی خود را در این چارچوب تنظیم کرده است. (خالوزاده، ۱۳۹۲).

۱/۱: تغییرات اقتصادی براساس معیارهای کپنهاگ:

پیمان گمرکی با اروپا در تاریخ ترکیه، مرحله مهمی در روند همگرایی با اتحادیه اروپا و رشد بالای اقتصادی آن محسوب می شود. به

طوری که این کشور با الحاق به اتحادیه گمرکی و جذب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، ورود فناوری جدید و تکمیل

اصلاحات اقتصادی کشور به ثبات و قدرت بیشتری در عرصه اقتصادی دست یافت. توسعه و رشد اقتصادی ترکیه در سال های اخیر تا

حد زیادی معلول سیاست های جدید دولت در قالب همسان سازی این کشور با استانداردها و اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا بوده و

گزارش های وتو نیز اظهار می دارد که ترکیه جزء ۲۰ کشور دارای پویایی تجارت جهانی است. بعد از دودهده اصلاحات اقتصادی

نئولیبرال، تجربه اصلاحات ترکیه در تغییر ساختار اقتصاد این کشور، ترکیه به عنوان یکی از قدرت های اقتصادی خاورمیانه مطرح

شده است. اتحادیه گمرکی اروپا ساختار صادرات ترکیه را به سمت صنعتی شدن سوق داده است. پرواضح است که الحاق ترکیه به

اتحادیه گمرکی با اروپا تحول عمده ای در عرصه اقتصاد این کشور محسوب می شود. مهم ترین آثار عضویت ترکیه در اتحادیه

گرمی اروپا، افزایش خصوصی سازی، جذب سرمایه گذاری خارجی، رشد صنعت و تجارت خارجی و در نهایت تسریع روند همگرایی با اقتصاد جهانی است. (خصی نیا، ۱۳۹۰).

باتوجه به این که ترکیه توانسته خود را از نظر اقتصادی بسیار به اروپا نزدیک کند ولی همین عامل اقتصادی خود مانعی برای الحاق به اتحادیه اروپا برای ترکیه محسوب می شود. ساختار اقتصادی ترکیه ضعیف است و هزینه و وقت زیادی برای بازسازی می طلبد. ترکیه هنوز بخشهای بزرگی از اقتصادش دولتی است و دولت در اقتصاد مداخله می کند. معیارهای اقتصادی لازم برای عضویت ترکیه هنوز فراهم نشده است و در مقایسه با دول اروپایی، ترکیه با نرخ بالای تورم، حجم بالای بدهی های دولت، فساد اقتصادی و سیاسی، پایین بودن سرمایه گذاری، کشاورزی سنتی و نرخ بالای بیکاری دست به گریبان است. (رفیعی، ۱۳۸۷). ترکیه با توجه به جمعیت روستایی گسترده و وسعت جغرافیایی اش نه تنها هنوز شرایط لازم برای عضویت را مهیا نکرده است بلکه در صورت عضویت نیز بار مالی و فشار زیادی برای اتحادیه به همراه دارد و امکان کمک های عظیم مالی برای بازسازی آن در کوتاه مدت وجود ندارد.

۲/۱: تغییرات سیاسی براساس معیارهای کپنهاگ:

در این بخش ترکیه با مسائلی چون دموکراسی، آزادی رسانه ها، حقوق بشر و حقوق اقلیت ها و نظامیان مواجه است. کشورهای عضو اتحادیه از این بخش ها بیشترین خطر را برای امنیت خود با عضویت ترکیه در اتحادیه احساس می کنند. آنها می اندشند کشوری که نمی تواند محیط داخلی خود را اداره کند و شهروندان خود را راضی نگه دارد، چگونه می تواند در اتحادیه ای عضو شود که همه ی اعضا به دنبال رفاه و آزادی برای شهروندان خود هستند؟ به فکر ثبات و امنیت در سراسر قاره ی خود هستند؟ در زمینه ی سیاسی نیز ترکیه برای همسان سازی خود با اروپا دست به تغییراتی در قانون اساسی خود زده است. اما در اجرای این تغییرات موفقیتی نداشته است.

بر اساس قانون اساسی ترکیه، ترکیه یک کشور سکولار و دموکراتیک و جمهوری می باشد که منشأ قدرت آن مردم است. نظام سیاسی ترکیه دموکراسی سکولار است و معتقد به تفکیک قواست البته لازم به ذکر است که به دلیل آنکه احزاب از طریق مجلس می آیند در نتیجه قوه مقننه و مجریه رابطه تنگاتنگی دارند. حال اینکه این قانون اساسی با دوچالش مهم روبه روست: یکی از این چالش ها سکولاریسم است، با آن که بر اساس قانون اساسی این کشور، ترکیه یک کشور سکولار است اما در واقعیت این طور نیست. زیرا عملکرد حکومت و حمایت آن از اهل تسنن و سرکوب علویان با این امر همخوانی ندارد. از چالش های دیگر، دموکراسی است. قانون اساسی می گوید ترکیه دموکراتیک است اما در عمل اینطور محسوب نمی شود زیرا فقط هر کس را که تبعه این کشور باشد ترک می داند و باقی تبارها و نژادها را شخصیت حقوقی نمی دهد. برابری اجتماعی و برابری حقوقی نیز رعایت نمی شود. منشأ قدرت در قانون اساسی مردم هستند در حالیکه در عمل هیئت حاکمه ترکیه منشأ قدرت اند. (تقی پور، ۱۳۹۳).

حال اگر بخواهیم به بررسی محیط داخلی ترکیه پردازیم به صراحت می توان دید که نقض حقوق اقلیت کرد در این کشور کاملاً مشهود است. مسئله ی کردها یکی از مهمترین موضوعاتی بود که روابط ترکیه با اتحادیه اروپا را از دهه ۱۹۹۰ خدشه دار کرده بود و شکاف بزرگی در درک اتحادیه اروپا و ترکیه در مورد رفتار با اقلیت کردها بوجود آورده بود، از نظر جامعه اروپا مسئله ی کردها باید با ابزارهای سیاسی وبدون بکارگیری خشونت و ابزارهای نظامی حل شود اما از نظر ترکیه این مسئله به تروریسم مربوط می شود و باید

با یک راه حل نظامی حل شود. (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹). ماده ۹ کنوانسیون اروپایی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی های بنیادی عنوان می دارد: "حق آزادی مذهب، وجدان و اندیشه هم می تواند به طوری فردی اعمال شود و هم در جمع با دیگران مورد استفاده قرار گیرد و اعمال گردد. نمونه بارز تخطی ترکیه از ماده ۹، نادیده گرفتن حقوق اقلیتی بزرگ مانند کردها در این کشور است. (جمالی و خانی، ۱۳۸۸). کردها در ترکیه حتی از ابتدایی ترین امکانات مانند داشتن شبکه رادیویی یا تلویزیونی، سخن گفتن به زبان مادری و... محروم هستند. حال اروپایی که به دنبال رفاه و آسایش برای شهروندان خود است به هیچ وجه نمی تواند خود را قانع کند که کشوری چون ترکیه که به طرز اسفبار و وحشتناکی بامردمان کشورش برخورد می کند و حتی ابتدایی ترین امکانات هم برای آنها مهیا نمی کند در جمع خود بپذیرد.

نقض حقوق بشر در ترکیه فقط به کردها خلاصه نمی شود. نبود آزادی بیان، آزاد نبودن رسانه ها، قتل های زنجیره ای، کشتار مشکوک در زندان ها و مواردی از این دست را هم باید به لیست بلندبالای نقض حقوق بشر در داخل ترکیه اضافه کرد که باعث نگرانی کشورهای اروپایی است. در این راستا می توان به انتقاد کمیسیون اروپا از ترکیه اشاره کرد که "از این کشور خواسته که محدودیت در مورد آزادی رسانه ها را لغو کند و حقوق بشر را محترم بشمارد"؛ انتقادهایی که ترکیه آن را ناعادلانه و زیاده از حد قلمداد کرد. (پایگاه خبری انتخاب، ۱۳۹۴). آنها بیم آن دارند که این نحوه حکومت داری ترکیه در داخل اروپا هم رخنه کند چون ترکیه دارای ۷۵ میلیون جمعیت است که با کشورهای بزرگی چون آلمان و ایتالیا و انگلستان در اتحادیه برابری می کند و حق رای مساوی با این کشورها به ترکیه می دهد؛ که اگر این نحوه حکومت داری در اروپا رواج یابد ثبات و همگرایی و بقای اتحادیه از هم می پاشد.

علاوه بر نقض حقوق بشر در داخل ترکیه، این کشور در سال های اخیر نشان داده که در زمینه های خارجی نیز ناقض حقوق بشر است. حمایت های گاه و بیگاه ترکیه از گروهک تروریستی داعش که به کشتار عظیم انسان های بیگناه در عراق و سوریه می پردازد، نیز اروپا را برای پذیرش ترکیه با شک های زیادی همراه کرده است. هرچند خود اروپا در حمایت از این گروهک کوتاهی نکرده، ولی حمایت های ترکیه بسیار چشمگیرتر بوده است. از آنجا که حضور این گروهک در خاورمیانه باعث ناامنی منطقه شده و ترکیه از حمایت گران اصلی این گروهک است احتمال اینکه با پیوستن ترکیه به اتحادیه ناامنی خاورمیانه از طریق هم مرز شدن با مناطق ناامن چون سوریه و عراق به اروپا سرایت کند و امنیت اروپا خدشه دار شود، پیوستن ترکیه در اتحادیه با شک هایی مواجه شده است.

۳/۱: تغییرات فرهنگی براساس معیار کپنهاگ:

تمامی کشورهای اروپایی در زمینه ی فرهنگی مانند دین، زبان، هنر، ادبیات باهم اشتراک نسبی دارند. حال در این میان پذیرش ترکیه، کشوری که بسیاری از ظواهر و زیرساخت های تمدنی اش و همچنین بخش عظیمی از جغرافیا و سرزمین اش آسیایی است، برای کشورهای عضو اتحادیه قابل قبول نیست. در این میان مخالفت دو کشور آلمان و فرانسه که از بانیان اولیه اتحادیه اروپا هستند، برچالش پیش روی ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا افزوده است. به رغم آنکه مذاکرات رسمی در مورد پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، حول محور ضعف اقتصادی و سیاسی این کشور جریان دارد اما مسئله ی اصلی که در پشت درهای بسته مذاکرات به آن اذعان شده است، موانع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. این موضوع همان چیزی است که رجب طیب اردوغان نیز آن را بر زبان آورد و اذعان

کرد: مانع اصلی عضویت ترکیه مشکل فرهنگی است. (یزدانی و حاجی زاده، ۱۳۹۰). ساموئل هانتینگتون معتقد است: لهستان، اسلوانی، لیتوانی صعود خواهند کرد اما ترکیه نه! زیرا اتحادیه اروپا معتقد است که به کلوب آنها تعلق ندارد و شاید دلایل آن فرهنگی باشد. (بصیری و موسوی،).

ترکیه کشوری است مسلمان که ۹۸ درصد مردمان آن مسلمان هستند، در مقابل اتحادیه اروپا باشگاه کشورهای مسیحی است. این تضاد در دین یکی از مهمترین عوامل برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپاست. هرچند ترکیه تلاش کرده تا با جداسازی دین از سیاست گام هایی برای رسیدن به هدف اش بردارد ولی موفقیت چندانی نداشته است. این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که نظام سکولاریستی ترکیه در دهه های گذشته با تکیه بر نیروی ارتش بر ملت ترکیه تحمیل شده است. نظامی که اکثریت مردم ترکیه آن را نمی پسندند. (بصیری و موسوی).

اصرار ترکیه ی مسلمان برای پیوستن به اتحادیه اروپایی، باشگاهی از کشورهای مسیحی، واقعا مورد رضایت قلبی کشورهای اروپایی نیست و اگرهم مذاکراتی در این باب صورت می گیرد بیشتر بخاطر موافقتی است که اتحادیه در سال ۲۰۰ برای آغاز مذاکرات عضویت با ترکیه منعقد کرده و باریخی الزامات راهبردی و ژئوپلیتیک این زمینه را بوجود آورده است. ولی بسیاری علائم نشان می دهد که اتحادیه اروپا، کشورهای عضو آن و بسیاری از مقامات و شخصیت های اروپایی واقعا مایل به عضویت ترکیه کشوری با ۷۵ میلیون جمعیت در اتحادیه اروپایی نیستند. عضویتی که قبل از هرچیز اثرات راهبردی و کلان داشته و معادلات قدرت در اتحادیه اروپایی و کشورهای بزرگ آن را به هم می ریزد. (خالوزاده، ۱۳۹۲). " ورود ترکیه به اتحادیه اروپا به مفهوم پایان این اتحادیه است." این موضع صریح نخست وزیر سابق فرانسه والری ژسیکاردستن است. همچنین صدراعظم اسبق آلمان هلموت کهل که گفته است " اروپا باشگاه مسیحی است." یا این گفته نیکلا سارکوزی در اولین اظهار نظرش پس از پیروزی در انتخابات که گفته: " نمی توانم تصور کنم که مرزهای اتحادیه اروپا به کشورهای چینی، ایران، سوریه و عراق منتهی شود." (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹). این اظهار نظرات دولتمردان کشورهای بزرگ در اروپا در مورد ترکیه است که مانع الحاق ترکیه شده است.

برخی کشورها بيم آن دارند ترکیه با تعداد جمعیت زیاد و آن هم مسلمان وارد اتحادیه شود و رای مساوی با کشورهای بزرگ چون آلمان و انگلستان و ایتالیا که ۲۹ رای دارند شود و این برای اتحادیه ای با کشورهای مسیحی خوشایند نیست. اروپایی ها نگران آن هستند که با ورود ترکیه به اتحادیه اروپا جمعیت مسلمان این اتحادیه افزایش پیدا کرده، خصلت مسیحی آن تضعیف شود. رهبران اروپایی بند جدیدی را در قانون اساسی اتحادیه گنجانده اند که مطابق آن پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا فوق العاده دشوار خواهد بود این بند که بندا اکثریت معروف است بیان می دارد که ورود ترکیه به اتحادیه علاوه بر موافقت رهبران این اتحادیه منوط به موافقت اکثریت مردم کشورهای عضو اروپا خواهد بود. (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹). هرچند اسلام در اروپا هوادارانی دارد و کم نیستند مسلمانان در این کشورها ولی در غرب همیشه به مسلمانان به دید منفی نگریسته می شود و آنها عامل جنایت و تروریسم خوانده می شوند. پس عضویت ترکیه به ترویج تروریسم منجر خواهد شد و این برای امنیت اروپا بسیار خطرناک است.

رواج اندیشه نوعثمانی گری که باروی کارآمدن دولت اردوغان در ترکیه مطرح شده، نیز عامل فرهنگی دیگری است که می تواند مانع پیوستن ترکیه به جمع کشورهای اروپایی باشد. طی ماه های اخیر نقش فزاینده ترکیه در تعاملات جهانی و نقش آفرینی در بحران

های منطقه ای سبب ایجاد این تفکر شده که ترک ها قصد احیای امپراتوری عثمانی را در سر می پروراندند. اروپاییان از امپراتوری عثمانی خاطره خوشی ندارند و آن را نوعی ظلم و استعمار در حق خود می دانستند. حال اگر ترکیه سودای برپایی آن امپراتوری را داشته باشد، امنیت و بقای اتحادیه اروپا به خطر می افتد چون حوزه بالکان جزئی از امپراتوری عثمانی بوده چه بسا ترکیه برای در اختیار قراردادن آن حاضر باشد امنیت اروپا را به مخاطره اندازد. همچنین کشتار ارامنه توسط ترکان نیز خاطره خوشی از ترکیه در اذهان اروپائیان بجا نگذاشته است.

نتیجه گیری

بامطالب ارائه شده در بالا می توان به این جمع بندی رسید، که عضویت ترکیه برای اروپا هم منفعت دارد و هم چالش هایی را برای این اتحادیه بوجود می آورد. نفعی که اروپا از این عضویت به دست می آورد این است که عوامل ژئوپلیتیک اتحادیه دستخوش تغییر می شود. این اتحادیه با کشورهایی درخاورمیانه هم مرز می شود که نگرش مثبتی نسبت به اروپا ندارند و با این نزدیکی می توان نگرش آنها را از طریق تغییراتی که در ترکیه ایجاد شده، دگرگون کرد. همچنین ترکیه می تواند پل ارتباطی باشد بین اروپا و قفقاز و آسیای مرکزی که به عنوان الگو و مدل فرهنگی و اقتصادی برای آنها مطرح شود. بر همین اساس اروپا به ترکیه در اجرای اصول و معیارهای اتحادیه کمک می کند تا از این طریق بتواند در حوزه های پراهمیت آسیا تاثیرگذار باشد.

همچنین اتحادیه اروپا بعد از جنگ جهانی دوم، با بزرگترین بحران خود یعنی پناهجویان مواجه است که در این باره به دنبال کمک آنکارا است. رئیس جمهور ترکیه درازای همکاری درزمینه سیل مهاجران به اروپا خواهان عضویت این کشور در اتحادیه شده است. هفته نامه "اشپیگل" گزارش داد که کمیسیون اتحادیه اروپا قصد دارد روند پذیرش عضویت ترکیه به اتحادیه اروپا را سرعت بخشد. این اقدام در راستای حل بحران پناهجویی در اروپا انجام خواهد شد.

چالش هایی که اتحادیه اروپا با پذیرش ترکیه با آن مواجه می شود بیشتر مربوط به مسایل امنیتی است. برخی از اعضا اتحادیه اروپا عنوان می کنند مرزهای مشترک ترکیه با ایران، عراق و سوریه اتحادیه را با مشکلات جدید امنیتی مواجه خواهد کرد و توسعه مرزهای اروپا به بی ثباتی، منازعه و تروریسم منجر خواهد شد و لذا معتقدند که اتحادیه اروپا نباید با مناطق تنش زا همسایه شود. سوریه، عراق، ایران سه کشوری که محور شرارت معرفی شدند نمی توانند برای اتحادیه اروپا همسایگان بی خطر باشند و همسایگی با آنها همواره برای اروپائیان زندگی با استرسی را بهمراه خواهد داشت. حوادث اخیر پاریس، اخبارهای وحشت آفرین در بلژیک که همگی از سوی گروه بنیادگرایی چون داعش که داعیه مسلمانی دارند، باعث وحشت هرچه بیشتر اروپا از مسلمانان شده و ترکیه ی مسلمان باید منتظر بماند تا این شک و شبهات از بین برود و راه به اتحادیه اروپا باز شود.

منابع

- ۱- قاسمی فرهاد - اصول روابط بین الملل - نشر میزان - چاپ چهارم - پاییز ۱۳۹۱
- ۲- قوام سیدعلی، کیانی داوود و همکاران - اتحادیه اروپا، هویت، امنیت و سیاست - پژوهشکده مطالعات راهبردی - چاپ دوم

- ۳- لینک لیتر اندرو - ترجمه علیرضا طیب - نظریه انتقادی، مکتب برسازی - انتشارات وزارت خارجه - تهران ۱۳۹۳
- ۴- مشیرزاده حمیرا - تحول در نظریه های روابط بین الملل - انتشارات سمت - تهران ۱۳۹۲
- ۵- جمالی حسین، خانی حسین - اتحادیه اروپا، ترکیه و تحول در حقوق فرهنگی کردهای ترکیه ۱۹۹۱-۲۰۰۲ - پژوهشنامه علوم سیاسی - شماره ۱۴ - بهار ۱۳۸۸
- ۶- تقی پور سحر - ترکیه و موازین حقوق بشر - پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه - خرداد ۱۳۹۳
- ۷- حضی نیا ناصر - آثار اصلاحات اقتصادی موردنظر اتحادیه اروپا بر ساختار ترکیه: با تاکید بر اتحادیه گمرکی اروپا - فصلنامه مطالعات خاورمیانه - شماره ۴۴ - بهار ۱۳۹۰
- ۸- خالوزاده سعید - مخالفت اتحادیه اروپایی با عضویت ترکیه در این اتحادیه - مرکز بین المللی مطالعات صلح - آذر ۱۳۹۲
- ۹- رفیعی علی - ترکیه و نگرش ها برای پیوست به اتحادیه اروپا - زمستان ۱۳۸۷
- ۱۰- بصیری محمدعلی، موسوی سیدفاضل - نقش و تاثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا - فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی - سال دوم - شماره ۲ - بهار ۱۳۸۹
- ۱۱- نوع پرست زهرا - ترکیه و اتحادیه اروپا: دودستگی آرا - اطلاعات سیاسی و اقتصادی - شماره ۲۰۹ و ۲۱۰ - بهمن و اسفند ۱۳۸۳
- ۱۲- یزدانی عنایت الله و حاجی زاده جلال - بررسی موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا - فصلنامه سیاست - زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۴ - از ۳۵۶ تا ۳۳۷
- ۱۳- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب: Entekhab.ir

Archive of SID